

# جایگاه رسانه‌های ارتباط جمعی در آموزش نگرش و اخلاق زیست محیطی

اوین حبیبی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: اسفند ۹۵ تاریخ پذیرش نهایی: فروردین ۹۶

## چکیده

با مرور بر وضعیت محیط زیست می‌توان دریافت که ناآگاهی یا بی‌توجهی انسان‌ها به محیط، به دلیل کمبود آموزش‌های علمی و کارشناسانه، داشتن نگرش‌ها و رفتارهای نادرست به محیط زیست، عدم مسئولیت در قبال محیط زیست و به طور کلی نداشتن دانش و سواد زیست محیطی از علل مهم و تاثیرگذار در آلودگی و تخریب محیط زیست بوده است. آموزش و رسانه‌های ارتباطی به عنوان دو رکن اساسی در حفاظت از محیط زیست نقش بارزی دارند. آموزش محیط زیست، بنیادی‌ترین شیوه حفاظت از محیط زیست می‌باشد که زمینه ارتقای آگاهی‌های موثر را فراهم می‌آورد. اولین گام در فرایند آموزش محیط زیست، دستیابی به اطلاعات از طریق رسانه‌هاست. امروزه در میان ابزارهای آموزشی، رسانه‌ها ابزارهای آموزشی قوی و موثری هستند که در جهت تعدیل رفتارهای انسانی و انتشار عادات و ارزشهای فرهنگی، جامعه‌پذیری و تغییر در نگرش و رفتارهای زیست محیطی می‌توانند نقش اساسی ایفاء کنند. رسانه‌های ارتباط جمعی می‌توانند به عنوان مکمل نهادهای رسمی آموزش، به شیوه‌های مستقیم یا غیرمستقیم به آموزش مخاطبان در زمینه محیط زیست و حفظ آن اقدام کنند و جزء تفکیک ناپذیر فرایند آموزش و یادگیری باشند. بر همین اساس، بررسی جایگاه رسانه‌های ارتباط جمعی در آموزش نگرش و اخلاق زیست محیطی، هدف اصلی این تحقیق می‌باشد. بدین منظور، در مقاله توصیفی حاضر کتب مختلف و دیدگاه‌های صاحب‌نظران مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** رسانه، آموزش زیست محیطی، نگرش زیست محیطی، اخلاق زیست محیطی.

---

۱- دانشجوی دکتری آلودگی‌های محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، پست الکترونیک: a.habibi1361@yahoo.com

## مقدمه

جهان در برابر بحران‌ها و معضلات زیست محیطی قرار دارد. زمین برای بشر همواره سرشار از منابع بی‌پایان بوده و انسان خود را در بهره‌برداری هر چه بیشتر از طبیعت مجاز می‌شمرد، اما طولی نکشید که اثرات استفاده نادرست از محیط زیست آشکار گشت. تخریب جنگل، فرسایش خاک، بیابان‌زایی، محدود شدن زمین‌های کشاورزی، انقراض گونه‌ها، آلودگی آب، خاک و هوا، گرم شدن زمین و چندین و چند معضل دیگر، تاوان عملکرد نسنجیده بشر در ارتباط با طبیعت بوده است (Sarvestani, 2007).

با مرور بر وضعیت محیط زیست می‌توان دریافت که ناآگاهی یا بی‌توجهی انسان‌ها به محیط، به دلیل کمبود آموزش‌های علمی و کارشناسانه، داشتن نگرش‌ها و رفتارهای نادرست به محیط زیست، عدم مسئولیت در قبال محیط زیست و به طور کلی نداشتن دانش و سواد زیست محیطی از علل‌های مهم و تاثیرگذار در آلودگی و تخریب محیط زیست بوده است (کوهی اقدام و همکاران، ۱۳۹۲).

حفاظت از محیط زیست از مولفه‌های مهم عدالت، توسعه پایدار و شکوفایی جوامع در جهان کنونی محسوب می‌شود. این حق و دسترسی به آن برای همه آحاد جامعه، در تعریف عدالت نیز نهفته است زیرا تخریب آلودگی محیط زیست لطمات جبران ناپذیری در پی خواهد داشت. بنابراین در نگاهی جامع به بحث عدالت نمی‌توان بحث محیط زیست را نادیده گرفت. بنابراین لازم است برای تقویت ساختار حفاظت از محیط زیست مانند بسیاری از بخش‌های دیگر دولت، بخش عمده‌ای از آن به موضوع محیط زیست و توسعه پایدار اختصاص یابد و برای تقویت این ساختار و توانمندسازی نیروی انسانی متخصص و ابزارهای تشویقی و نظارتی مربوطه، برنامه‌های راهبردی ارائه شود که یکی از این راهبردها حمایت از برنامه‌های ملی ارتقای فرهنگ و آگاهی محیط زیستی از طریق تصویب و اجرای طرح‌های ملی آموزش‌های محیط زیستی است (شهبازی، شبیری و زندی، ۱۳۹۴).

آموزش و رسانه‌های ارتباطی به عنوان دو رکن اساسی در حفاظت از محیط زیست نقش بارزی دارند. آموزش محیط زیست، بنیادی‌ترین شیوه حفاظت از محیط زیست بوده است که زمینه ارتقای آگاهی‌های موثر را فراهم می‌آورد تا از این طریق هر فرد از جامعه، خود را از طریق احترام گذاشتن به طبیعت، مسئول در حفظ و حمایت از محیط زیست بداند. امروزه لزوم آموزش‌های زیست محیطی برای افزایش سطح آگاهی، دانش و تغییر نگرش و اخلاق زیست محیطی بر کسی پوشیده و پنهان نیست. (کوهی اقدام و همکاران، ۱۳۹۲) تحقیقات نشان می‌دهد که اولین گام در فرایند آموزش محیط زیست، دستیابی به اطلاعات از طریق رسانه‌هاست (Ostman & Parker, 1987). امروزه در میان ابزارهای آموزشی، رسانه‌ها ابزارهای آموزشی قوی و موثری هستند که در جهت تعدیل رفتارهای انسانی و انتشار عادات و ارزش‌های فرهنگی می‌توانند نقش اساسی ایفاء کنند (کوهی اقدام و همکاران، ۱۳۹۲). ارتقای فرهنگ به عنوان عامل اصلی و موتور توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست زمانی حاصل خواهد شد که محیط طبیعی و فرهنگ انسان با هم مرتبط باشند و لازمه تحقق چنین هدفی، وجود اخلاق زیست محیطی در تمامی اقشار یک جامعه در یک کشور است، حال آن که اخلاق زیست محیطی رفتار ایده‌آل بشر نسبت به محیط زیست خود اعم از محیط طبیعی، محیط اجتماعی و فرهنگ است (رضایی و کمالی، ۱۳۹۵).

در پژوهشی که فردوسی و رضوانی در سال ۲۰۰۷ در زمینه بررسی رابطه بین دانش موثر و رفتارهای محافظت از محیط انجام داده‌اند، مشخص شد که از جمله متغیرهای مهم برای پیش‌بینی رفتار انسان، دانش و نگرش فرد درباره محیط زیست است که نتایج حاکی از آن بود، دانشجویانی که واحدهایی را در زمینه محیط زیست گذرانده‌اند رفتارهای موثر بیشتری نسبت به دیگران دارند (فردوسی، رضوانی، ۲۰۰۷). نتایج حاصل از تحقیق دیگری که توسط فروتن کیا و همکارانش در خصوص بررسی نقش رسانه در

فن و رسانه به گونه‌ای متغیر بر فرهنگ و جامعه و بدین وسیله بر نوع و شیوه مخصوص ما از ادراک جهانی تاثیر می‌گذارند. پیش از رسانه‌های جدید امروزی صنعت چاپ تغییر انقلابی را موجب گشته بودند البته نه فقط در سطح مهارت فنی بلکه هم‌چنین در ابعاد شناختی، نه تنها آنچه که ما از دنیا تجربه می‌کنیم و می‌دانیم به رسانه‌ها وابسته است بلکه حتی این که ما چگونه درباره دنیا فکر می‌کنیم نیز به آنها بستگی دارد. فلسفه رسانه بازتاب دهنده گذرگاهها و میانبرهایی است که به صورت تاریخی و پیش از هم به بکاربردن خط پیشرفت چاپ، دورنمای محوری و در نهایت رسانه‌های دیداری و شنیداری و رایانه‌های دیجیتال را در ارتباط با هم قرار می‌دهد. تغییراتی که در نحوه ذخیره ساختن و تبادل اطلاعات پدیدار گشته به تمام هستی انسانی مربوط می‌شود و در ارتباط با ادراک زمان و مکان و ارتباطات بین انسانی قرار دارد (شهبازی، شبیری و زندی، ۱۳۹۴).

### رسانه‌های ارتباط جمعی

رسانه‌های ارتباط جمعی به کلیه رسانه‌هایی گویند که از طریق وسایل فنی یا الکترونیکی با مخاطبان ارتباط برقرار می‌کند. مثل کلیه ستون چاپی، کتاب، روزنامه، مجله، پوستر، کتابچه، پوسترهای دیواری، رادیو، تلویزیون، فیلم، اسلاید، نوار پخش صوت و نوارهای ویدیویی و ... (دادگران، ۱۳۸۰).

ویژگی رسانه‌های ارتباط جمعی را به طور خلاصه به شرح ذیل می‌توان نام برد:

- ۱- سرعت انتشار ۲- نظم انتشار ۳- گسترگی حوزه انتشار ۴- تداوم انتشار ۵- فراگیری و پوشش مخاطبان ۶- دستیابی به قضاوت و داوری مخاطبان انبوه ۷- آسانی دسترسی و هزینه‌اندک، این عوامل سبب می‌شوند که استفاده از رسانه‌ها به وسیله روابط عمومی برای اطلاع رسانی و برقراری ارتباط با افکار عمومی و دریافت بازخورد و اطلاع از داوری‌های افکار عمومی در قبال عملکرد سازمان به عنوان یکی از مفیدترین، باصرفه‌ترین، سریع‌ترین، گسترده‌ترین و مستندترین

شکل‌دهی نگرش‌ها و رفتارهای زیست محیطی شهروندان در سال ۱۳۸۹ صورت گرفته نشان داده که افزایش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در زمینه حفظ محیط زیست، پخش اخبار در زمینه حوادث زیست محیطی از رسانه‌های جمعی، می‌تواند در جهت بهبود نگرش‌های زیست محیطی شهروندان و ارتقاء رفتارهای زیست محیطی آنان موثر باشد (فروتن کیا و همکارانش، ۱۳۸۹).

در تحقیق مشابهی که توسط طاهری و شبیری در زمینه تاثیر رسانه‌ها در آموزش محیط زیست در سال ۱۳۹۵ صورت گرفته نتایج نشان دادند که آموزش و پرورش و شهرداری‌ها می‌توانند نقش مهمی در حفاظت از محیط زیست داشته باشند و این دو سازمان باید تعامل بیشتری در این زمینه با یکدیگر داشته باشند. هم‌چنین نتایج این تحقیق حاکی از آن بود که کشور ما نیاز به تلاش زیادی در زمینه آموزش محیط زیست و ایجاد نگرش مثبت زیست محیطی در شهروندان دارد و این مهم نیاز به همکاری و مشارکت و عزم ملی دارد (طاهری، شبیری، ۱۳۹۵). مقاله توصیفی حاضر با هدف مطالعه و بررسی جایگاه رسانه در آموزش نگرش و اخلاق زیست محیطی در راستای حفاظت و حمایت از آن، با استناد به مطالعات و تحقیقات انجام یافته، مطالعه کتب و بررسی دیدگاه‌های صاحب‌نظران تدوین گردیده است.

### فلسفه رسانه چیست؟

رسانه پیام است. مارشال مک لوهان حدود نیم قرن پیش شناختی را از عصری تازه در این عبارت به طور خلاصه می‌گنجاند. این عصر تازه با پیدایش الکترونیسته آغاز شد که انسان توانست به مدد آن اطلاعات را ذخیره نماید و این امکان، زیربنای عصر رسانه‌ها را پی افکند. مک لوهان بر این عقیده بود که دو هزار سال پیش درخشش فلسفه و برتری آن بر فن به پایان رسیده است. پیامدهای فیزیکی و اجتماعی رسانه‌های دیداری و شنیداری جدید و هم‌چنین آغاز عصر اتوماسیون و اطلاعات، موضوع این طبقه علمی جدید یعنی نظریه رسانه‌ها هستند (احدیان، ۱۳۸۷).

### نگرش و اخلاق زیست محیطی

نگرش‌ها به عنوان احساس مثبت یا منفی پایدار درباره افراد، اشیاء و مسائل تعریف می‌شوند. عقاید با نگرش‌ها رابطه نزدیکی دارند زیرا به اطلاعاتی که یک فرد درباره یک شخص یک شیء یا یک مسئله دارد، اشاره می‌کند. نگرش سازه ذهنی و مخفی در شخصیت است که موجب آمادگی ویژه فرد از منظر روانی در رویایی با پدیده‌ها، مسائل، وقایع و بروز واکنش توأم با هیجان به آنها می‌شود. از این منظر نگرش‌های افراد ناشی از گذشته آنها و تجربه‌های گوناگون زندگی است که همانند رشد شخصیت است. اشخاص برجسته با برخورداری از موقعیت‌های خاص در زندگی افراد می‌توانند نفوذ زیادی در تکوین نگرش‌ها داشته باشند. نگرش‌ها مانند بسیاری از واکنش‌ها، اکتسابی هستند و به رغم اکتسابی بودنشان درست مانند عادات انسانی در وجود شخص مستقرند و فرد را در جهت خاصی به فعالیت وا می‌دارد یا از فعالیت باز می‌دارد. خلاصه اینکه نگرش‌ها در ارتباط با هدفی خاص شکل می‌گیرند. نگرش‌های زیست محیطی به عنوان احساس مثبت یا منفی فرد درباره رفتار و برخورد با محیط زیست تعریف می‌شود. نگرش زیست محیطی شامل نگرش‌های انسان مدارانه و محیط‌مدارانه می‌شود. رفتار انسان نشانه‌ای از نگرش‌های اوست. می‌توان با تغییر در نگرش‌ها و دیدگاه‌های مردم در رفتار و عادات آنها هم تغییراتی ایجاد کرد. برنامه‌هایی رادیویی و تلویزیونی که با هزینه‌های سرسام‌آور تهیه و ضبط می‌شوند به رایگان در اختیار مصرف‌کنندگان قرار می‌گیرند، هدف‌شان تغییر و هدایت نگرش‌های مردم در جهت خاصی است. مطبوعات، کتاب‌ها و سخنرانی‌ها همه در ایجاد دگرگونی در نگرش موثرند. اگر نگرش به اندازه کافی قوی باشد و در وجدان و روح افراد، جایگزین یا به اصطلاح کاملاً درونی شده باشد، نهایتاً در شکل‌گیری رفتار آنها موثر خواهد بود (فروتن کیا و همکاران، ۱۳۸۹).

شیوه‌های برقراری ارتباط متقابل میان سازمان و مردم شناخته شود (شهبازی، شبیری و زندی، ۱۳۹۴).

### معنا و مفهوم واژه آموزش زیست محیطی

واژه آموزش زیست محیطی از دو واژه آموزش و محیط زیست تشکیل شده است. محیط زیست چنین تعریف شده است: «مجموع کل همه شرایط و تاثیرات موثر بر زندگی و رشد موجودات زنده» و آموزش «شکل‌دهی مطلوب نگرش‌ها، معیارها، مهارت‌ها، درک علایق نسبت به محیط زیست است به شکلی که از آن حفاظت کند و آینده بهتری را برای موجودات زنده عصر کنونی فراهم کند» (Tomar, 2007).

بر طبق تعریف یونسکو «آموزش زیست محیطی فرایند شناسایی معیارها و مشخص کردن مفاهیم به منظور توسعه مهارت‌ها و روش‌های ضروری برای درک و پی بردن به ارتباط آن میان بشر است» (UNESCO, 1990).

اس‌چ میدر در خصوص تعریف آموزش زیست محیطی چنین می‌گوید: «آموزش زیست محیطی کنش متقابل فعال بین انسان و طبیعت است که به سمت بهبود کیفیت و حیات برای همه موجودات زنده در حرکت است» (Schmieder, 1974).

ویلیام استاپس نیز آموزش زیست محیطی را اینگونه تعریف می‌کند: «آموزش زیست محیطی فرایندی است که هدف آن افزایش دانش و آگاهی برای همه جمعیت جهان است. دانش و مهارتی که همه را چه به صورت فردی و چه به صورت گروهی در مورد محیط زیست و نحوه برخورد با آن حساس و نگران کند و آنان را برای حل درست مشکلات زیست محیطی و پرهیز از بروز مشکلات جدید راهنمایی کند» (Stapes, 1982).

بنابراین آموزش محیط زیست یعنی شناخت هم پیوستگی انسان و محیط و سراسر زندگی و مسئولیت او برای حفظ محیط به شیوه‌ای که برای زیستن متناسب باشد.

تومه معتقد است نباید توسعه مادی را متوقف کرد، بلکه باید با پذیرش اخلاق محیطی به توسعه، بعدی فرهنگی بخشید، هدف نهایی آموزش‌ها و اخلاق زیست محیطی ایجاد و تقویت رفتار ایده آل محیطی است. میان محیط زیست و توسعه فرهنگی ارتباط متقابل وجود دارد. اگر توسعه دارای بعد فرهنگی باشد بهتر می‌توان از محیط زیست حفاظت کرد و اگر محیط زیست محافظت شود، این عمل سبب تقویت هویت فرهنگی می‌شود (رضایی، کمالی، ۱۳۹۵).

#### اهمیت و ضرورت آموزش اخلاق زیست محیطی

در دورانی زندگی می‌کنیم که محیط زیست موقعیتی بحرانی دارد و این بحران ابعادی جهانی دارد و انسان تنها به منفعت‌های مقطعی و کوتاه مدت خود نگرسته است و این ارتباط با محیط زیست را تنها در بهره برداری هر چه بیشتر از منابع طبیعی، آن هم تحت عنوان پیشرفت و توسعه تعریف نموده و در نتیجه این ارتباط نامتناسب، محیط زیست را در خطر نابودی و تهدید قرار داده است (شهبازی، شبیری، زندی، ۱۳۹۴).

با توجه به اهمیت مسایل زیست محیطی و نقش اساسی رفتارهای انسان، در حفظ یا تخریب آن، لازم است که رفتار انسان مد نظر قرار گیرد. امروزه تفاهم عمومی حکایت از آن دارد که راه حل واقعی بحران محیط زیست باید انسان و رفتارهای انسانی را شامل شود و متکی به آن باشد به طوری که انسان می‌بایست به دنبال پایداری نه فقط برای محیط زیست بلکه برای فعالیت‌های اقتصادی خود باشد تا بشریت و محیط زیست بتوانند آینده طولانی‌تری داشته باشند (رضایی، کمالی، ۱۳۹۵).

از آنجا که دستیابی به محیط زیستی سالم در هر کشور، با آگاهی عموم مردم آن جامعه ارتباط دارد، بنابراین، آموزش می‌تواند در این امر بسیار موثر باشد. آگاهی در مورد محیط زیست در سطوح محلی، ملی و جهانی و همچنین آگاهی از رویکردهای مختلف در مورد مشکلات زیست محیطی و مشارکت در حل مسایل آن، همگی قابلیت‌هایی هستند که تنها با آموزش کارآمد قابل دستیابی است (طاهری، شبیری، ۱۳۹۵).

اخلاق با تعیین معیارها برای تمیز رفتار درست از نادرست و با مشخص کردن محدوده رفتار درست از طریق اعمال باید‌ها و نبایدها، آزادی لجام گسیخته انسانی را مردود می‌داند و رعایت اصول آن، ضامن حفظ یکپارچگی اجتماع است. پذیرش خالی نبودن طبیعت از ارزش را می‌توان سرآغاز اخلاق زیست محیطی دانست. اخلاق زیست محیطی بر این ایده استوار است که اخلاق باید به شکلی گسترش یابد تا روابط انسان‌ها و طبیعت را در برگیرد (رضایی، کمالی، ۱۳۹۵).

سعی اخلاق زیست محیطی، ارائه دلایل نظام مند و جامعی برای این منظور است که چرا باید روابط اخلاقی بین انسان‌ها و محیط زیست طبیعی وجود داشته باشد و می‌توان آن را، مطالعه رفتار درست و اشتباه در درون یک محیط زیست مشخص تعریف نمود. بنابراین نقش اصلی اخلاق زیست محیطی، ایجاد موانع درونی اخلاقی در آحاد جامعه برای تعیین رفتار مناسب نسبت به طبیعت است (Sesin, 2003).

باورهای زیست محیطی، به عنوان نظامی از گرایش‌ها و باورها درباره رابطه بین انسان و محیط زیست، تبیین‌کننده رفتارهای حفاظتی با چارچوب‌های مرجعی هستند که هنگام تعامل با محیط زیست از آن‌ها استفاده می‌شود. در این رابطه می‌توان گفت طرز فکر ما اولین چیزی است که وارد محیط می‌شود و با شکل دهی چگونگی ارزش گذاری اجزای مختلف زیست بوم، چگونگی رفتار ما با آن را تبیین می‌کند. لذا نوع رفتار ما با محیط زیست تا حد زیادی به چگونگی درک ما از رابطه خود با آن وابسته است. این که ما چگونه برای محیط زیست ارزش قائلیم، تبیین کننده این است که نقش و عملکرد خود را بر زمین چگونه می‌بینیم و برای به اشتراک گذاردن این منابع با دیگران چگونه رفتار می‌کنیم (رضایی، کمالی، ۱۳۹۵).

تومه در مقام نویسنده‌ای محیط گرا معتقد است که میزان احترام شهروندان هر جامعه به اخلاق محیطی و حفاظت از محیط طبیعی، از جمله معیارهای سنجش میزان توسعه فرهنگی در آن جامعه محسوب می‌شود.

طبیعی و افزایش مواد زائد ناشی از توسعه شهرنشینی و صنعتی و ... داشته باشند. به لحاظ ارزشمند بودن محیط زیست و مسایل مرتبط با آن، می‌توان موقعیت‌هایی را برای کسب اطلاعات ضروری، ارزش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌هایی برای حفاظت از محیط زیست ایجاد و بهبود بخشید، تا بتوان با افزودن بر میزان آگاهی و کنجکاوی عموم مردم، زمینه مشارکت فعالانه آنان را در حل مشکلات زیست محیطی فراهم نمود، به نحوی که افراد جامعه توانایی درک مفاهیم اساسی محیط زیست را داشته باشند (شبیری و همکاران، ۱۳۹۲).

پیشرفت‌های جامعه انسانی وابستگی شدیدی به آموزش دارد با توجه به اصل پنجاهم قانون اساسی کشورمان که حفاظت از محیط زیست را وظیفه عمومی تلقی می‌کند، ضروری است که اقدامات مستمر و همه جانبه و فراگیر در جهت افزایش آگاهی‌های زیست محیطی جامعه صورت گیرد. تردیدی نیست که آموزش مستمر و هدف دار اقشار مختلف جامعه به طوری که آنان را با مفاهیم زیست محیطی آشنا کند می‌تواند به داشتن جامعه‌ای با وجدان زیست محیطی منجر شده و آینده‌ای توأم با سربسزی، سلامتی و توسعه‌ای پایدار برای کشور فراهم نماید (حیدری، ۱۳۸۰).

### رسانه‌ها و تاثیر آنها در آموزش و شکل دهی

#### نگرش و اخلاق زیست محیطی

سیطره رسانه‌ها بر زندگی امروز بشر، ملی و بین‌المللی، امری بدیهی است و پیامدهای آن چنان در تار و پود حیات فردی و اجتماعی انسان رخنه کرده است که تولید و مصرف آنها، هم‌چون دیگر کالاها و خدمات مورد نیاز بشر به پیروی از قوانین عام فرهنگی، هنری جوامع به خصوص توسعه یافته را به خود اختصاص داده است (رشیدی، ۱۳۹۰).

تهییج و ترغیب افکار عمومی در مخالفت با سیاست یا برنامه‌ای، مهم‌ترین سلاح در یکی دو قرن گذشته در دست سیاست‌مداران بوده‌اند. با گسترش ارتباطات رسانه‌ای گروه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی طرفداران محیط زیست به گونه‌ای از آن

در راستای حفاظت از محیط زیست، ارتقای فرهنگ عمومی جامعه از طریق آموزش نقش مهمی را ایفاء می‌کند. به راستی اگر در جامعه فرهنگ عمومی حفظ محیط زیست در سطح بالایی باشد بسیاری از مشکلات زیست محیطی بدون نیاز به اهرم‌های بازدارنده دولتی با کمک خود مردم برطرف خواهد شد (شهبازی، شبیری، زندگی، ۱۳۹۴).

امروزه جامعه‌ای توسعه یافته تلقی می‌شود که بتواند در کنار شاخصه‌های اقتصادی بر معیار آموزش، اطلاعات و در حقیقت عنصر دانایی - اجتماعی تاکید کند. در چنین جامعه‌ای رسانه‌ها با تولید و توزیع مطلوب اطلاعات و آموزش اخلاق زیست محیطی، نقش به سزایی در بالابردن سطح آگاهی‌های گوناگون و ضروری به عهده می‌گیرند و جامعه را در نیل به تعالی و ترقی همه جانبه یاری می‌کند (رشیدی، ۱۳۹۰). هدف آموزش محیط زیست، در اولویت اول، پرورش افرادی فعال و آگاه نسبت به محیط زیست خود و مسئولیت‌شان در حفاظت از آن است. برای نیل به این هدف، آموزش باید شناخت افراد را نسبت به واکنش‌های متقابل نسبت به جنبه‌های فیزیکی، بیولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی محیط زیست و وابستگی و ارتباط‌های پیچیده میان توسعه اجتماعی - اقتصادی و بهبود محیط زیست افزایش دهد (محرم نژاد و همکاران، ۱۳۸۵).

به طور کلی برنامه آموزش محیط زیست شامل افزایش سطح آگاهی‌ها و تفهیم مسایل زیست محیطی به عموم اقشار جامعه از طریق آموزش موثر در طول دوران زندگی و افزایش مشارکت افراد تاثیر گذار در تصمیم‌گیری‌ها می‌باشد. گروه‌های هدف شامل مدارس، دانشگاه‌ها، رهبران مذهبی، صاحبان مشاغل، صنایع، کشاورزان، عموم مردم و سازمان‌های دولتی و سازمان‌های غیردولتی دوست‌دار محیط زیست می‌باشد (طاهری، شبیری، ۱۳۹۵).

آموزش‌های زیست محیطی می‌توانند تاثیر فراوانی در ایجاد انگیزه و افزایش سطح آگاهی، دانش و تغییر نگرش افراد نسبت به مسایل و معضلات زیست محیطی مانند: بحران انرژی، بحران آب، اتلاف و تخریب منابع

تدریس شفاهی و گفتاری از عهده آن بر نمی‌آید. به خصوص در بیان موضوعاتی که از حوزه دید عمومی مردم خارج است (Srbnovski, et al, 2010).

رسانه‌ها ابزارهای قوی هستند که در جهت تعدیل رفتارهای انسانی و انتشار عادات و ارزش‌های فرهنگی نقش آفرینی می‌کنند. تاثیر گذاری و عمومیت آنها دلایل بسیاری دارد، از جمله آنها این که هنوز در دنیای کنونی ستاره‌های سینما، فیلم نامه نویسان، مقاله نویسان و ... از ارزش و اعتبار اجتماعی خاصی برخوردارند. تحقیقات متنوعی در کشورهای مختلف اعم از آمریکا، بریتانیا و ... نشان می‌دهند که رسانه‌ها به خصوص رسانه‌های دیداری و شنیداری، الگوهای رفتاری فرد را تعدیل کرده و بر استانداردهای نگرش و رفتار تاثیر می‌گذارند (رشیدی، ۱۳۹۰).

در میان رسانه‌های ارتباط جمعی، تلویزیون به عنوان یک بستر مناسب جهت اطلاع‌رسانی و آموزش مباحث زیست محیطی از جایگاه خاصی برخوردار است. تلویزیون به دلیل امتیاز ویژه تصویری اش برتری‌هایی نسبت به سایر وسایل ارتباط جمعی دارد. تلویزیون با برخورداری از تصویر می‌تواند آموزش‌هایی در زمینه‌های مختلف به افراد ارائه کند. این رسانه به دلیل قابلیت‌های شنیداری و دیداری می‌تواند پاره ای از تجربیات خاص را برای بینندگان به نمایش بگذارد (شبیری و همکاران، ۱۳۹۲).

نتایج حاصل از تحقیقات نشان داده بین میزان تماشای تلویزیون و سطح نگرش زیست محیطی، سطح رفتار زیست محیطی و سطح سواد زیست محیطی رابطه معنی داری وجود دارد، بدین ترتیب که هر چه میزان تماشای تلویزیون در افراد بیشتر بوده، سطح نگرش، سطح رفتار و سطح سواد زیست محیطی افراد بالاتر بوده است و برعکس هر چه میزان تماشای تلویزیون در افراد کمتر بوده، سطح نگرش، سطح رفتار و سطح سواد زیست محیطی در آنها پایین تر و کمتر بوده است (شبیری و همکاران، ۱۳۹۲).

میزان تاثیرگذاری رادیو به عنوان یکی از رسانه‌های فراگیر، در امر اطلاع رسانی و آموزش حائز اهمیت

برای پیشبرد خواسته‌های خود استفاده کرده‌اند. افکار عمومی جهان از منابع مهم حقوق محیط زیست است. قدرت افکار عمومی در کمیته‌ها، جنبش‌ها و موسسه‌های دفاع از محیط زیست متبلور می‌شود که هدف‌شان اجرای قوانین و یا ارائه پیشنهادات کاربردی در این زمینه است. قسمت اعظم موفقیت نهضت‌های محیط زیست از این واقعیت ناشی می‌شود که این نهضت‌ها بیش از هر نیروی اجتماعی دیگری، به بهترین نحو قادر به سازگاری با شرایط، ارتباطات و تجهیز و بسیج در پارادایم نوین تکنولوژی بوده است. محیط زیست گرایان، با آفریدن رویدادهایی که توجه رسانه‌ها را جلب می‌کند می‌توانند به مخاطبان دست پیدا کنند (طاهری، شبیری، ۱۳۹۵).

امروزه برخی سازمان‌ها و نهادها وجود دارند که با هدف آشکار آموزش و اطلاع رسانی به افراد در سطح وسیع آگاهی یا کمتر از آن، طبق برنامه‌ای از قبل آماده شده توسط جامعه برپا شده‌اند. به این سازمان‌ها و نهادها، نهادهای رسمی آموزش گفته می‌شود. مدارس، دانشگاه‌ها، مساجد، کتابخانه‌ها و ... از جمله این نهادها هستند. اما نهادهای دیگری وجود دارند که اصولاً برای اهداف معین دیگری به وجود آمده‌اند، اما به طور غیر مستقیم تاثیر مهمی روی رفتار و شخصیت افراد دارند. آنها فرهنگ، دانش و اطلاعات را به صورت غیررسمی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کنند. رسانه‌های ارتباط جمعی اعم از رادیو، تلویزیون، سینما، مطبوعات، مجلات، کامپیوتر، تلفن همراه، شبکه‌های مجازی و ... از جمله نهادهای آموزشی غیررسمی هستند که تاثیر تربیتی مهمی روی نگرش و الگوهای رفتاری و اخلاقی افراد دارند و در رشد و توسعه فرهنگ عمومی تا حد زیادی سهیم‌اند (رشیدی، ۱۳۹۰).

دیوی معتقد است تاثیر ناخودآگاه نهادهای غیر رسمی بسیار دقیق و فراگیر است، آنها همه ابعاد شخصیت و ذهن فرد را تحت تاثیر قرار می‌دهند. در ضمن به شکل‌گیری عادت‌ها، رفتارها و نگرش‌ها کمک می‌نمایند (Dewey, 1983).

سربی نوسکی نیز معتقد است آموزش‌هایی که از طریق رسانه‌ها داده می‌شود نه تنها مکمل آموزش نهادهای رسمی است، بلکه به نتایجی دست پیدا می‌کند که هیچ

محسوب می‌شوند. از طرفی آموزش توسط اینترنت، روزنامه‌ها و مجلات و شبکه‌های مجازی به طور گسترده و بسیار تاثیرگذار در زمینه آموزش و ایجاد نگرش زیست محیطی موثر واقع می‌شوند.

همچنین نتایج پژوهش صورت گرفته توسط شبیری و همکاران در سال ۱۳۹۲، در خصوص بررسی رابطه میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی (با تاکید بر تلویزیون) با ارتقای سطح سواد زیست محیطی معلمان، به صورت آماری نشان داد که بین میزان تماشای رسانه‌های جمعی (با تاکید بر تلویزیون) و سطح دانش، نگرش، رفتار و به طور کلی سطح سواد زیست محیطی معلمان رابطه وجود دارد. همچنین نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره نشان داد، با توجه به ضریب همبستگی چندگانه ( $R = 0/809$ )، شدت رابطه بین متغیرهای ملاک و متغیر پیش بین بسیار موثر و قوی بوده است.

به طور کلی نتایج حاصل از پژوهش‌های پیشین و آنچه در تحقیق حاضر بدست آمده نشان می‌دهد آموزش و رسانه‌های جمعی دو رکن اساسی در فرهنگ سازی و حفاظت از محیط زیست هستند و نقش بارزی در این زمینه دارند و بسیاری از نکات آموزشی را امروزه می‌توان در قالب رسانه‌های جمعی تعلیم داد. به عبارت دیگر رسانه‌ها ابزار و عناصر مفیدی برای آموزش، آگاه کردن، جامعه‌پذیری و تغییر در نگرش و رفتارهای زیست محیطی می‌باشند. بدین ترتیب رسانه‌ها قادرند در جهت ارتقاء سطح فرهنگ عمومی و اصلاح گرایش‌های غلط به خوبی عمل کرده و رسالت انسانی خود را جامه عمل بپوشانند و جزء تفکیک‌ناپذیر فرایند آموزش و یادگیری باشند. لذا با تجهیز زیر ساخت‌های اساسی و تربیت نیروی انسانی کارآمد می‌توان از رسانه‌ها به عنوان یکی از ابزارهای آموزشی با تاثیر مثبت بر فرایند یاد دهی - یادگیری و انتشار و دسترسی اسان به اطلاعات، در آموزش‌های محیط زیستی به اقشار مختلف جامعه و ارتقاء سواد زیست محیطی جامعه بهره جست. به طور کلی تقویت بیشتر فرهنگ زیست محیطی و ارتقاء دانش و نگرش افراد،

است. از طرفی نتایج حاصل از تحقیقات نشان داده که بهره‌گیری از فن آوری اطلاعات (اینترنت) نیز بر موفقیت آموزشی موثر بوده است. همچنین با توجه به اهمیت انتقال دانش و اطلاعات زیست محیطی در قالب موارد نوشتاری، تولید و ارائه مطالب زیست محیطی از طریق انتشار کتاب، مجله، روزنامه و ... تاثیر به سزایی در آموزش محیط زیست دارند. شبکه‌های اجتماعی نیز به عنوان یک ابزار اساسی و یک کاتالیزور، از جمله رسانه‌های ارتباط جمعی هستند که می‌توانند اهداف زیست محیطی را پیش ببرند و در مواردی حتی تبدیل به جنبش‌های اجتماعی موثر در قالب گروه‌ها و کمپین‌ها، در این زمینه هم می‌شوند. این شبکه‌ها می‌توانند حساسیت عمومی مردم و مسئولین را در خصوص مشکلات و مسایل مرتبط با محیط زیست برانگیخته و به تصمیم‌گیری و ارائه راهکارها و راه حل‌های کارآمد در جهت حل مشکلات و معضلات مربوطه بیانجامد (طاهری، شبیری، ۱۳۹۵).

### نتیجه‌گیری

آنچه که از نتایج این تحقیق برمی‌آید، نشان می‌دهد آموزش زیست محیطی تنها از طریق نهادهای رسمی آموزش میسر نیست، بلکه رسانه‌های ارتباط جمعی نیز می‌توانند به عنوان مکمل نهادهای مذکور عمل کنند. آنان موجب ایجاد تغییر در نگرش و باورهای رفتاری در افراد جامعه می‌گردند. در عصر حاضر رسانه‌های ارتباط جمعی می‌توانند به شیوه‌های مستقیم یا غیر مستقیم به آموزش مخاطبان در زمینه محیط زیست و حفظ آن اقدام کنند. نحوه آموزش رسانه‌های جمعی به گونه‌ای است که جذابیت آن بیش از کلاس‌های صرفاً آموزشی است.

نتایج تحقیق حاضر با نتایج مطالعات طاهری و شبیری (۱۳۹۵) که تاثیر رسانه‌ها بر آموزش محیط زیست را مورد بررسی قرار داده‌اند، مطابقت دارد. یافته‌های ایشان نشان می‌دهد رسانه‌ها نقش مهمی در آموزش محیط زیست دارند. در این میان رادیو و تلویزیون از جمله موثرترین و فراگیرترین رسانه‌های ارتباط جمعی



توجه بیشتر نهادهای متولی جامعه پذیری از جمله رسانه‌های جمعی خصوصاً تلویزیون را می‌طلبد. به عبارتی، فرهنگ‌سازی در زمینه حفاظت از محیط زیست باید در جامعه از طریق رسانه‌ها آن‌چنان در سطح کشور تقویت شود تا جایی که هر ایرانی خود را حافظ محیط زیست بداند.

## فهرست منابع

- Ethical Issues in Science and Technology, 2, 59-72. (In Persian)
- Ostman, R. E., & Parker, J. L. (1987), Impact on education age, newspapers and television on environmental knowledge, concerns and behaviors, *Journal of Environmental of Education*, 19 (1), 3-9
- Ferdowsi, S. & Rezvani, N. (2007), the relationship between environmental knowledge & environmental behavior, *Journal of Human Sciences (Supplement Sociology)*, 53, 253-266.
- Tomar, A. (2007), *Environmental education*, AHP Publishing Corporation, New Delhi.
- UNESCO (1990), *Source Book in Environmental education*, publishing by UNESCO principal regional office for Asia & the Pacific Bangkok.
- Staps, W. B. (1982), *An instructional program approach to environmental education, K-12* published in *World Views on Science Education* edited by V-N Wenchow Oxford
- Sesin, V., *Environmental ethics and human interests: Problems of mutual relations* (2003)
- Heydari O. (2001), *Environmental Education – Security for Survive*, Jam jam Newspaper
- Dewey J. (1983), *Experience and Education*, New York: Macmillan
- Srbinovski M, Erdogan, M, & Ismaili, M. (2010). *Environmental Literacy in the Science Education Curriculum in Macedonia and Turkey*, *Procedia Social and Behavioral Science*, 21, 4528 -4532.
- شبییری، سیدمحمد؛ فرج اللهی، مهران؛ کوهی اقدام، الهام و میبیدی، حسین (۱۳۹۲). رابطه میزان استفاده از رسانه‌های جمعی (با تاکید بر تلویزیون) با ارتقای سطح سواد زیست محیطی معلمان. فصلنامه فن آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، سال چهارم، شماره اول، پاییز.
- شهبازی، طیبه؛ شبییری، سیدمحمد؛ زندگی، بهمن (۱۳۸۹). مطالعه نقش رسانه‌های ارتباط جمعی در آموزش مسایل زیست محیطی از دیدگاه معلمان مدارس راهنمایی شهرستان سرپل ذهاب، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره هفدهم، شماره ۲، تابستان.
- رضایی، مریم و کمالی، افسانه (۱۳۹۵). بررسی رابطه رسانه‌های جمعی و اخلاق محیط زیستی، روزنامه‌نگاری الکترونیک، سال اول، شماره چهارم، پاییز.
- فروتن کیا، شهرروز و همکاران (۱۳۸۹). بررسی نقش رسانه در شکل‌دهی نگرش‌ها و رفتارهای زیست محیطی شهروندان، رسانه و آموزش شهروندی.
- طاهری، الهام و شبییری، سید محمد (۱۳۹۵). تاثیر رسانه‌ها در آموزش محیط زیست، سومین کنفرانس روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی با رویکرد بین المللی، شهریور.
- احدیان، محمد (۱۳۷۸). *مقدمات تکنولوژی آموزشی*. تهران. انتشارات: بشری.
- دادگران، سید محمد (۱۳۸۰). *مبانی ارتباطات جمعی*. تهران. انتشارات: قدس رضوی.
- رشیدی، علیرضا و رشیدی، مریم (۱۳۹۰). بررسی نقش رسانه‌ها در حفاظت از محیط زیست و تاثیر آنها در رفتار مردم و مدیران از منظر شکل‌گیری فرهنگ مصرف. ماهنامه مهندسی فرهنگی. سال پنجم، شماره ۵۵ و ۵۶.
- Sarvestani, A. (2007). Views of nature and environmental ethics with emphasis on the Islamic perspective,